

این شرح بی‌نیابت...

مسافرت کنید تا تندرست مانید و روزی داده شوید. حضرت محمد(ص)

تیغ مژگان

تشنه خون کرد مستی چشم فتان تو را خواب سنگین شد فانی تیغ مژگان تو را این لطافت نیست هرگز میوه فردوس را می‌توان خوردن به لب سبب زرخدن تو را حلقه‌ها در گوش سرو از طوق قمری می‌کشد گر به گلشن ره رفت سبزه خرامان تو را دیده شبنم که در پیراهن گل محرم است حلقه پیرون در باشد گلستان تو را چون نیاشم چشم بر راه نسیم التفات؟ من که پروردم به آب چشم، ریحان تو را قدر من این بس که چون ابر بهار از آب چشم تازره دارم خسر دیوار گلستان تو را گر چه افکار تو صائب سر به سر سنجیده است این غزل مشهور خواهد کرد دیوان تو را صائب تبریزی

تقویم تاریخ

تشکیل جبهه ملی ایران

۶۵سال پیش، برابر با اول آبان ۱۳۲۸ خورشیدی، ۱۹۰۰ تن از رجال سیاسی در اعتراض به انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی در منزل دکتر محمد مصدق گردهم آمدند و جبهه ملی ایران را به رهبری او تشکیل دادند. جبهه ملی در مجلس رهبری فعالیت‌های ضد استعماری ملت ایران را با حمایت علما و مردم بر عهده داشت که ملی شدن صنعت نفت ایران یکی از دستاوردهای آن بود. این جبهه پس از قیام ۲۲ تیر ۱۳۲۱، دچار اختلاف درونی شد که با فاصله گرفتن بخشی از جناح مذهبی آن به رهبری آیت‌الله کاشانی از دکتر مصدق، قدرت‌ش رو به افول گذاشت.

قیام مردم مجارستان

۵۸سال پیش برابر با بیست و سوم اکتبر ۱۹۵۶ میلادی، مردم مجارستان با حضور در خیابان‌ها بر ضد سیاست‌های شوروی و دخالت‌های آن در امور داخلی کشورشان دست به اعتراض زدند. این تظاهرات در ابتدا بصورت یک تظاهرات دانشجویی در مرکز بوداپست پایتخت کشور آغاز شد و ادامه هزاران نفر را جذب خود کرد. در ادامه و با درخواست کمیونسنت‌های مجارستان، ارتش سرخ شوروی خاک مجارستان را به تصرف خود درآورد و قیام ملی مردم مجارستان را در چهارم نوامبر آن سال سرکوب کرد. تخمین زده شده است که در این نازامی‌ها حدود ۲۵۰۰ مجار کشته و ۲۰۰ هزار نفر زخمی یا زخمی‌شده شدند.

جایزه نوبل برای پاسترناک

۵۶سال پیش، برابر با بیست و سوم اکتبر ۱۹۵۸ میلادی، کمیته جوایز نوبل، رمان «دکتر زیواگو» نوشته بوریس پاسترناک را به او اعطای کرد. رمان «دکتر زیواگو» را قبلاً شوروی به ایتالیا قاچاق کرده و در اروپا و آمریکا به زبان انگلیسی چاپ و با تأمین هزینه ترجمه و انتشار آن از سوی دولت‌های معین که با شوروی رقابت داشتند در بسیاری از کشورها از جمله ایران توزیع کرده بودند. رمان «دکتر زیواگو» در اتحاد جماهیر شوروی ممنوع‌الانتشار بود.

شهر ونگ

نفت زشته

کاهش قیمت نفت، ضربه اساسی به برنامه‌های توسعه و جاری اقتصاد پویای مملکت ما وارد کرد! اقتصاد پویای ما منسجم بود پای منقل و داشت افزون اقتصاد که همان نفت است را دود می‌کرد و راحت بود و کیفش را می‌کرد و چایی نباتش را می‌خورد! یک پک می‌زد، پورسه وارد می‌کرد، یک پک دیگر می‌زد، دسته بیل وارد می‌کرد! یک چایی پر رنگ می‌زد، زغال قلیان وارد می‌کرد! اما پایین آمدن قیمت نفت، هر چه زده بود را براند! برای همین، آمدن پیش ما که کلینیک ترک اعتیاد به نفت داریم، گفتند چه کنید که گفتیم چیو چه کنید؟ گفتند این که نفت کشیده پایین. گفتیم آن دسته بیل‌هایی که وارد کردید یادتان است؟! دیدم چشمشان گرد شد و لبشان را گزیدند، بنابراین برای این که سوخ پر داشتی نکند سریع ادامه دادم آن پورسه‌ها یادتان است؟ آن سم‌های تقلبی یادتان است؟ آن خط تولیدهای مستعمل را یادتان است؟ آن سنگ قبرها یادتان است؟ آن شش‌تای ۵۲ را یادتان است؟! همه اینها را باید فراموش کنید! چون دیگر نمی‌توانید وارد کنید! گفتند راهکارهای دیگر چه؟ گفتیم اینها: مگر نمی‌گویند نفت، طلای سیاه است؟ خوب بدهند دست همین زرگرهای خودمان! یا بدهند دست صراف‌های خودمان، اصلاً همین جمشیدخان خودمان؟! ندیدید چطور سر شش ماه قیمت دلار را چه کرد؟ همین کار را می‌تواند با قیمت نفت بکند! شما نبروهای داخلی را شناسایی کنید، بین راننده‌های مقاصت و پرس‌و‌جو کنید! بین زندانی‌های بند مالی چرخ می‌زنید! افراد قهاری وجود دارند! الکی اینها را برده‌اید! زندان! یا اصلاً نفت طلای سیاه را بدهید دست همین طلا فروش‌های خودمان! چند روز که اعتصاب کردند و نفت به دنیا ندهند، قیمت می‌رود بالا! راهکار دیگر این است که رئیس سابق بانک مرکزی را به جای این که احضار کنید دادگاه، بفرستید اوپکا!



سوشایانس شجاعی فرد
طهرتوس
soshayans.fard@gmail.com

حرف روز

اورژانس مهربان

آ توسا اسکوی | روزنامه نگار |
چندی پیش با مرگ دلخراش آتش‌نشان جوانمردی که جان شیرینش را فدای نجات یک کودک کرد، ذهن آگاه و توجه‌مان برای مدتی به سوی این زحمتکش جلب شد. اما نکته اینجاست که در این قبیل موارد - متأسفانه مثل همیشه - بعد از گذشت مدتی، بی‌توجهی بار دیگر به سراغمان آمده و از حال کسانی که همواره آماده و بی‌داندن تا اگر «اضطرار»ی برای امثال من و شما پیش‌آمد، بلا درنگ برای کمک و نجاتمان بشتانند، غافل می‌شویم. یکی از این گروه‌های زحمتکش و شایسته، پرسنل مرکز فوریت‌های پزشکی یا همان «اورژانس» هستند که ممکن است در طول زندگی‌مان حتی یک بار هم با آن‌ها تماس بگیریم، اما صرف وجودشان و اینکه می‌دانیم هستند و همیشه گوش به زنگ، آرامش خاطر می‌دهد و وجودمان ایجاد می‌کند که در زمان خوداگاهی و جریان روزمره زندگی احتمالاً توجه چندانی به آن نداریم. نکته‌ای که موجب شد مرتکب نوشتن این سطور بشوم به خاطر این بود که در همین حوالی بر می‌گردد. چند روز قبل یکی از عزیزانمان دچار حمله قلبی شد و روحش به عالم بالا پرواز کرد. بسا اینکه مدت‌ها از بیماری‌های مختلف رنج می‌کشید، اما حتی یک بار هم کسی ندیده بود! در دنیای باطنی از بیماری‌های مختلف صحبت کند. آن روز قبل از ظهر همسر مهربان و صبورش فقط برای نیم ساعت از خانه بیرون رفته بود که ناگهان همسایه طبقه پایین، صدای افتادن آقا را می‌شنود. فوراً تلفن می‌زند به دختر جوانی که همسایه دیگر همین آپارتمان است و نسبت فامیلی باعث شده تا کلید خانه ایشان را داشته اندک ثانیه‌ها شاید باعث حفظ جان یک انسان شود.

فوکوس ...



دانشجویان معترض مجارستانی در حال تخریب مجسمه سرنگون شده استالین در بوداپست (اکتبر ۱۹۵۶)

کار تون شهر

احسان گنجی | کارتونست | ehsanganji58@gmail.com



نگاه

بحث سنگین!

احسان شیرازی |

تعمین می‌شود. تازه فارغ‌التحصیل شده: درسته، وگرنه به جای یک رول منطقی، هر کسی می‌خواهد در فرصت مناسب دیگری ریچزاند! کارمند ساعتی: همین عرضه و تقاضای افسارگسیخته است که باعث شده من با ساعتی چندرغاز مجبور به کار در اداره باشم. جوری که حتی کرایه رفت و آمد هم در نمی‌آید. اما مجبورم؛ چون تقاضای برای کار زیاد است و اداره ما بیشتر از این پول نمی‌دهد. می‌گویند اگر نمی‌خواهی برو، بیکارها صف کشیده‌اند که با همین حقوق اندک جای تو بنشینند. آقای معلم: همین دیدگاه این که می‌گویم باید یک معیار دیگری هم باشد یعنی همین! یعنی مثلاً یک کف حقوق برای کارمندان ساعتی در نظر بگیرند که حداقل تناسبی با وضع اقتصادی جامعه داشته باشد. اضافه‌تر از آن بسته به قانون عرضه و تقاضا داشته باشد. مادر کارمند ساعتی: خدا خیرت بده آقای معلم! حرف دل ما روزی! من: بحث خیلی سنگین شده! البته ظاهر مادر کارمند ساعتی فهمید چی به چیه ولی من نه! دوساره من: حالا آخرش تکلیف من بسار اننده تا کسی چاهیه!؟

۱۹	۱۳	۱۸	۲۲	۲۸	۲۴	۲۹
اراک	اردبیل	ارومیه	اصفهان	اهواز	ایلام	بندرعباس
۳۵	۲۵	۱۵	۲۲	۲۸	۲۷	۲۲
پوشهر	بیرجند	تبریز	تهران	خرم‌آباد	زاهدان	سندج

شرق کشور را شاهد خواهیم بود. با نفوذ جریانات سرد شمالی در روی دریای خزر از بعد از ظهر جمعه ابرناکی در سواحل شمالی کشور افزایش یافته و در روز شنبه بارش خفیف باران در سواحل شمالی بویژه در استان گیلان رخ می‌دهد. در روز یکشنبه بارش شدت بارندگی در این منطقه افزوده می‌شود. آسمان تهران امروز پنجشنبه صاف تا کمی ابری و با غبار محلی همراه خواهد بود. همچنین حداقل و حداکثر دما در این روز به ۱۰ و ۲۲ درجه سانتی‌گراد به بالای صفر خواهد بود. پتانسیل آلودگی هوادر شهرهای بزرگ و صنعتی افزایش می‌یابد. بررسی داده‌های ماهواره‌های هواشناسی نشان می‌دهد: از یکشنبه هفته آینده کاهش قابل ملاحظه دما در نوار شمالی و شمال غربی ایران آغاز می‌شود. در حالی که در نوار جنوبی و جنوب غربی کشور دما در روزهای آینده افزایش می‌یابد. در حالی که در نوار جنوبی و جنوب غربی کشور دما در روزهای آینده افزایش می‌یابد. در حالی که در نوار جنوبی و جنوب غربی کشور دما در روزهای آینده افزایش می‌یابد.

۱۸	۲۱	۲۶	۲۸	۲۳	۱۸	۱۹
شهرکرد	قزوین	کرمانشاه	کرمان	گرگان	رشت	کرج
۲۷	۲۱	۲۰	۲۲	۱۹	۲۱	۲۵
شیراز	سمنان	همدان	قم	مشهد	یاسوج	ابوموسی